عرضه محصولات هنری و صنایع دستی ۷ استان در سمنان

اگر اهل تماشا و خرید صنایع دستی و هنرهای سنتی هستید که توصیه می‌کنیم باشید تا روح زندگی را به خانه هایتان ببرید. یك خبر خوب برایتان داریم، از برپایی نمایشگاه بزرگ صنایع دستی در سمنان که از دو روز پیش آغاز به کار کرده و تا سیزدهم آذرماه هم ادامه دارد. در این نمایشگاه هنرمندانی از گلستان، مازندران، خراسان رضوی، قم، تهران، البرز و سمنان محصولات هنری-تزئینی خود را در بیش از ۱۵۰ غرفه در سالن شهرداری سمنان به نمایش و فروش می‌گذارند و اگر سمنانی هستید یا در شهرها و مناطق اطراف این استان به سر می‌برید، بد نیست هم یك سفر پاییزی داشته باشید و هم کلی سوغات زیبا و باکیفیت و متنوع از این نمایشگاه به شهر و خانه خود ببرید. خوشبختانه پای غرفه‌های صنایع دستی دارد کم کم به کشورهای همسایه هم باز می‌شود و به‌طور مثال قرار است یک نمایشگاه صنایع دستی از هفته آینده در بازارچه خیریه دیپلماتیك تفلیس برگزار شود که اگر ساکن آن دیارید می‌توانید از آن دیدن کنید./ جام جم دیلی

خبر خوش

روستاییان گیلان پیش به سوی بیمه

هرگاه زلزله شهر یا روستایی را می‌تکاند، یا بارِ ابرها به زمین می‌رسد و سیل می‌شود تا خانه و زندگی جماعتی را با خود ببرد، اولین حسرت مال کسانی است که خانه و زندگی و کسب و کارشان بیمه نیست؛ حسرتی که شاید عمده مسؤولیتش به گردن صاحب همان املاك باشد، چراکه باوجود ورود و اصرار دولت و قرار دادن تسهیلاتی برای این موضوع، برخی همچنان زیر بار آن نمی‌روند. حالا اما مسؤولان امور روستایی گیلان عزم خود را جزم کرده‌اند که روستاییان‌شان را بیمه کنند، برای همین یاور پیرعلایی، مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان با اعلام خبر اجرای طرح بیمه خانه‌ها، انبارها و همه اماکن روستایی این استان به صورت یکساله و مستمر، با اخذ کمترین آورده شخصی از روستانشینان، از دهیاران خواسته برای اجرای موفق این طرح و آگاهسازی جامعه هدف، در مساجد روستاها، جلسات توجیهی برگزار کنند.

پیرعلایی از راه‌اندازی صندوق بیمه اجتماعی برای بیمه بازنشستگی اختیاری روستاییان نیز خبر داده و گفته یك سهم از آورده آن را روستانشینان و دو سهم دیگر را دولت پرداخت خواهد کرد.

البته این اولین بار نیست که مسؤولان امور روستایی یك استان برای بیمه کردن به روستاییان رو می‌زنند و پاسخ کاملی نمی‌گیرند. اما حوادث طبیعی مستمر در کشورمان در سال‌های اخیر به‌ویژه استان‌های شمالی نشان داده که شاید وقتش شده روستاییان خودشان هم برای محافظت از اموال و دارایی‌شان قدم پیش بگذارند، امری که مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان هم روی آن تاکید دارد و گفته ما برای اجرای طرح‌های بیمه در روستاهای گیلان، تاکنون بیش از ۱۵ جلسه کاری و کارشناسی برگزار کرده‌ایم، اما توفیق کامل این طرح در گرو فعالیت دهیاران و همراهی روستاییان عزیز است./ جام جم دیلی

مسؤولان گردشگری برخی شهرهای کشورمان مدت‌هاست طرح تاکسی گردشگری را در دستور کار خود قرار داده‌اند، اما شاید هیچ‌کدام همت راننده تاکسی باذوق و منصف یزدی را نداشته‌اند...

گفت‌وگو با راننده تاکسی یزدی که مثل یك راهنمای گردشگری، مسافرهایش را همراهی می‌کند

از دیدن آثار تاریخی شهرم سیر نمی‌شوم

آقای فروغ‌نیا گردشگران یزد را به تماشای آثار تاریخی می‌برد و خودش مثل یک راهنمای گردشگری درباره آن آثار به آنها توضیح می‌دهد

عکس: جام جم

مینا مولایی

ایران

این‌که در دل یك شهر تاریخی مثل یزد، یك راننده تاکسی دل به دل آثار تاریخی و میراث فرهنگی داده باشد و درست مثل یك راهنمای گردشگری، تاریخچه و ویژگی‌های خاص تك‌تك این بناها را از بَر باشد، شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد، اما از نظر خود سیدمحمد فروغ‌نیا، این کار اصلا عجیب نیست. او راننده‌ای است که با تکیه به همین علاقه‌اش یك سفر خاطره‌انگیز برای مسافرهایش رقم می‌زند؛ سفری که با خوشرویی و مشتری‌مداری‌اش از همان لحظه اول شروع می‌شود و در ادامه به دامنه‌ای وسیع از اطلاعاتی می‌رسد که او در بازدید از هر بیشمار بناهای تاریخی شهر یزد در اختیار مسافرانش قرار می‌دهد؛ کاری خودجوش و کاملا داوطلبانه که باعث شده حکایت این راننده ۴۴ ساله و تاکسی زردرنگش در راه آهن یزد، از دیگر راننده‌ها و تاکسی‌ها جدا باشد؛ آنقدر که خیلی‌ها قبل از سفر تلفنی با او هماهنگ کنند تا مسافرش باشند و یزد را از نگاه او و با همراهی او بشناسند.

چند سال است راننده تاکسی هستید؟

الان دیگر ده سالی می‌شود که راننده تاکسی راه‌آهن یزد هستم.

قبلش چه کاره بودید؟

قبلا مغازه‌دار بودم، مغازه لوازم یدکی موتور داشتم، مغازه را که بستم، آمدم سراغ این کار.

چرا رانندگی را انتخاب کردید؟ آن هم رانندگی تاکسی را؟

به خاطر این‌که یك راننده تاکسی با همه جور آدمی سروکار دارد و شغل متنوعی دارد و بیشتر با روحیه من سازگار بود. من خودم ذاتا آدم یکجانشینی نیستم و دوست دارم همیشه در تکاپو باشم.

پس از شغل‌تان راضی هستید؟

بله خدا را شکر.

شیفت کاری شما چطور است؟

ما تقریبا شب‌کار هستیم. چون قطارهای یزد در بازه زمانی شب حرکت می‌کنند. شیف ما هم از ۶ بعدازظهر شروع می‌شود تا ۵ صبح. به‌جز این من خودم اگر مسافر روز هم داشته باشم سعی می‌کنم طوری برنامه‌ریزی کنم که در این بین چند ساعتی استراحت کنم یا مرخصی بگیرم و با حوصله پشت فرمان بنشینم.

می‌گویند که شما مثل یك کتاب گویای گردشگری، مثل یك راهنمای گردشگری، خصوصیات همه بناهای یزد را می‌دانید و درباره تاریخچه و سابقه همه آثار به مسافرهایتان توضیح می‌دهید. این اطلاعات را از کجا یاد گرفتید؟

به مرور یاد گرفتم. آن اوایلی که رانندگی تاکسی را شروع کرده بودم من هم مثل خیلی از مردم چیز زیادی درباره آثار تاریخی شهرمان نمی‌دانستم، اما به خاطر علاقه شخصی‌ای که داشتم، هر بار که با تورها همراه می‌شدم و مسافر می‌بردم و هرجایی که می‌دیدم تورلیدرها در حال توضیح تاریخچه و سابقه بنا هستند، می‌رفتم نزدیك‌شان می‌ایستادم و خوب به حرف‌هایشان گوش می‌کردم. همزمان خودم هم به خاطر همین علاقه شخصی انگیزه پیدا کردم که جداگانه درباره این آثار مطالعه کنم و نتیجه همه اینها، این شد که هروقت تورلیدری همراه گروه نبود یا مسافرها به صورت خانوادگی سفر می‌کردند، من خودم داوطلبانه اطلاعاتی که داشتم را در اختیارشان می‌گذاشتم.

یعنی چند وقت است که همزمان هم راننده تاکسی هستید و هم یك راهنمای گردشگری؟

تقریبا از شش سال پیش من دیگر مستقل شدم. (می‌خندد) الان طوری شده که دیگر در راه‌آهن، بقیه راننده‌ها شماره من را به مسافرهایی که دوست دارند در شهر بچرخند و آثار تاریخی را ببینند، می‌دهند.

چرا خودشان آنها را به مقصد نمی‌رسانند؟

چون مسافر گردشی حال و حوصله عجیبی می‌خواهد، مسافر گردشی، مسافری است که دنبال عکس گرفتن است، هرجایی از هر بنایی که خوشش آمد، می‌خواهد بایستد و وقت بگذارد و همه جای این آثار تاریخی را ببیند. من هیچ‌وقت برای مسافر زمان تعیین نمی‌کنم که مثلا اینجا را نیم‌ساعته ببین. زمانش دست خودش است. چون با خودم می‌گویم که مسافر الان وقت گذاشته و آمده یزدِ ما را ببیند و شاید بعدا دیگر فرصت نکند که به این شهر سفر کند. پس بهتر است تا می‌تواند از همین سفرش استفاده لازم را ببرد.

این که به عنوان یك راهنمای گردشگری با آنها همراهی می‌کنید چطور؟ مسافرها چه واکنشی نشان می‌دهند؟ انتظارش را دارند؟

مسافرها اولش که فکر نمی‌کنند من اینقدر اطلاعات دارم. وقتی از راه‌آهن سوارشان می‌کنم، فکر می‌کنند من هم مثل بقیه راننده‌ها، فقط یك راننده‌ام، اما بعد که پیش می‌رویم و من نزدیك هر بنایی که می‌رسیم درباره تاریخچه و سابقه‌اش توضیح می‌دهم، کم‌کم نظرشان جلب می‌شود و واقعا صددرصد مسافرهایم بعد از این‌که از تاکسی من پیاده می‌شوند، راضی هستند. حتی خیلی‌هایشان شماره تلفنم را می‌گیرند و به دوستان و آشنا‌هایشان می‌دهند تا در سفرشان به یزد مسافر من باشند.

این ارتباط از طرف شما هم ادامه دارد؟

بله. من هم یك دفتر تلفن مخصوص دارم که اگر مسافری تمایل داشته باشد شماره‌اش را می‌نویسم و حداقل نوروز به نوروز برایش تبریك عید می‌فرستم یا اگر در یزد کاری داشته باشند، سوغاتی یا چیزی بخواهند برایشان تهیه می‌کنم و می‌فرستم.

به خاطر این مشتری‌مداری‌تان تا حالا تقدیر هم شده‌اید؟

همین که مسافرها از من راضی باشند برای من کافی است و انگیزه من همین رضایت آنهاست. از اول هم که این کار را شروع کردم با خودم گفتم که باید نان حلال سر سفره خانواده‌ات ببری. الان هم بازتاب این تفکر را در زندگی‌ام می‌بینم. خوشبختانه خیلی وقت‌ها مسافرهای قدیمی برایم مسافر می‌فرستند و این برای من یك نشانه است؛ یعنی مسیر درستی را برای کارم انتخاب کرده‌ام.

یزد آثار دیدنی زیادی دارد؛ خودتان کدام را بیشتر دوست دارید؟

من با این‌که شاید بیشتر از هزار بار هرکدام از اینها را از نزدیك دیده‌ام، اما هنوز هم وقتی زیر سقف هرکدام از این آثار قرار می‌گیرم، چه مسجد جامع باشد چه قلعه سریزد، چه باغ دولت‌آباد، واقعا احساس غرور می‌کنم از داشتن این همه سابقه تاریخی و فرهنگی در شهرم.

معلوم است خیلی روی یزد تعصب دارید؟

بله، یك ایران است و یك یزد. یزد اولین شهر خشتی زنده جهان است چون مردم هنوز در بافت قدیمی و خشتی‌اش زندگی می‌کنند. یزد همچنین به خاطر تکیه‌های زیادی که دارد، به خاطر مراسم روضه‌خوانی ویژه‌اش که مختص محرم نیست، حسینیه ایران شده است. ما در یزد بلندترین بادگیر خشتی جهان را هم داریم به طول ۳۳ متر و ۸۰ سانت در باغ دولت‌آباد، طولانی‌ترین قنات ایران و جهان یعنی قنات زارچ هم در یزد قرار دارد. نارین قلعه میبد، با بیش ۷۰۰۰ سال قدمت، یکی از بناهای تاریخی و باشکوه ایرانِ کهن در دوران ساسانی است و تنها کاروانسرای گِرد جهان به اسم زین الدین در ۷۰ کیلومتری یزد قرارگرفته است. از سویی بالاترین رتبه‌های کنکور در ۲۵ سال گذشته و کمترین آمار طلاق هم برای شهر ماست.

این‌طور که از یزد تعریف می‌کنید معلوم است اصالتا یزدی هستید؟

بله، البته من خودم تهران به دنیا آمدم و پدر و مادرم اصالتا یزدی هستند. اما بعد از تولد من برگشتند یزد و من بزرگ شده یزدم.

هیچ‌وقت فکر نکردید که برگردید تهران؟

نه، اصلا هیچ تمایلی به زندگی در تهران و شلوغی‌هایش ندارم؛ اینجا در یزد ما ترافیك نداریم، خیابان‌ها خیلی خلوت و خوب است و واقعا راحت زندگی می‌کنیم.

تا حالا شده کسی چیزی در ماشین شما جا بگذارد؟

بله، زیاد... مسافرها خیلی وقت‌ها عینك دودی، کیف دستی و حتی تلفن‌های همراهشان را جامی‌گذارند و ما اگر مشخصاتی در ساك و کیف‌شان باشد سعی می‌کنیم به خودشان برسانیم؛ اگر هم چیزی نباشد آن را به دکه گمشده‌ها در راه‌آهن تحویل می‌دهیم.

مسافرهای شما بیشتر خانواده هستند؟

بله، دقیقا همین‌طور است. چون ما تاکسی راه‌آهن هستیم و خیلی‌ها خانوادگی با قطار سفر می‌کنند.

اگر مسافری پول همراهش نبود که کرایه شما را بپردازد چه کار می‌کنید؟ اصلا این مورد برایتان پیش آمده؟

بله زیاد... همین پریشب یك آقایی با زن و مادرزنش از قطار پیاده شد. مادرزنش خیلی پیر بود و معلوم بود سرمای هوای یزد اذیتش می‌کند. این آقا پول همراهش نبود و گفت که خانه‌اش اردکان است و وقتی به مقصد برسد هزینه را حساب می‌کند، اما هیچ‌کس حاضر نشد آنها را سوار کند، چون خیلی‌ها می‌گفتند که شاید در مقصد هم پولی نداشته باشد که بدهد. اما من قبول کردم. حتی بعضی از همکارانم گفتند شاید آنجا رسیدی باز هم پول نداشت که بدهد، گفتم اشکال ندارد این پیرزن این وقت شب در این سرما اذیت می‌شود. من به خاطر این پیرزن این مسیر را می‌روم. بعد هم هفتاد کیلومتر تا اردکان رانندگی کردم و آنها را رساندم و آنجا که رسیدیم آن آقا من را کنار کشید و گفت واقعیتش من کیفم را با همه موجودی و کارت بانکی و... در بندرعباس جا گذاشتم. فردا به دستم می‌رسد و الان هیچ پولی ندارم. تا فردا بعدازظهر برایت پولم می‌ریزم. من هم شماره کارت دادم و برگشتم یزد و فردا غروب خودش برایم پول ریخت.

اگر نمی‌ریخت چه؟

هیچ... می‌گذاشتم به حساب نداشتنش... بالاخره در این جامعه همه باید هوای همدیگر را داشته باشند.

تا حالا شده در یك شهر دیگر و در مسافرت به یکی مثل خودتان برخورد کرده باشید؟

بله من یك بار به شیراز سفر کرده بودم، آنجا با یك راننده تاکسی آشنا شدم به اسم آقای برزگری که خودش ما را در شهر چرخاند و واقعا اطلاعات خوبی هم به ما داد. کلا من معتقدم آدم هر شهری را باید با بومی همان شهر بگردد و ببیند.

... و حکایت مسافران خوش شانس

ایران +

سررشته آشنایی ما با این راننده تاکسی یزدی به سفر یکی از بچه‌های گروه فرهنگی روزنامه یعنی خانم ساناز قنبری به یزد می‌رسد. به وقتی که ایشان از یزد برگشت و با آب و تاب زیاد از همراهی یك راننده تاکسی با او و مادرش در یزد گفت و این‌که در تمام سفرهایی که داشته تا حالا این‌قدر یك نفر با علاقه و حوصله درباره آثار و دیدنی‌های یك شهر به او توضیح نداده است. همین بهانه ما برای گفت‌وگو با سیدمحمد فروغ‌نیا بود؛ مصاحبه‌ای خودمانی که برای کامل‌تر شدنش پای صحبت‌های همکارمان هم نشستیم تا از دید یك مسافر، تجربه سفر با این راننده تاکسی را بخوانید: «ما دو روز مسافر تاکسی آقای فروغ‌نیا بودیم، روز اول شهر تفت را با تمام دیدنی‌هایش به ما نشان داد و روز دوم ما را به اردکان، چك‌چك و میبد و خرانق برد. نکته جالب برای من اطلاعات بسیار خوب و کامل او به عنوان یك راننده تاکسی از آثار باستانی و تاریخی بود. آنقدر که یك بار از او پرسیدم که تحصیلاتش در حوزه گردشگری است و او گفت که فقط به خاطر علاقه شخصی این اطلاعات را کسب کرده. نکته جالب دیگر قیمت پایینی بود که ایشان از ما بابت کرایه تاکسی گرفت؛ مبلغی که همان موقع هم که بنزین هزارتومان بود از هزینه بنزین مصرف شده‌اش در این مسیرها کمتر می‌شد.»

همکار ما البته از آقای فروغ‌نیا و تاکسی زردرنگش یك خاطره خوب دیگر هم دارد: «برخلاف خیلی راننده‌ها که مسافرها را جلوی در یا نزدیك یك بنای تاریخی پیاده می‌کنند و منتظر برگشتش می‌مانند، ایشان ما را همراهی می‌کرد و درباره همه آثار به ما توضیح می‌داد. بسیار خوش زبان بود و اصلا هم خسته نمی‌شد یا بد رانندگی نمی‌کرد و این اخلاق خوب و احترام را در رانندگی‌اش هم می‌شد، دید.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۳۴

جدول عادی

افقی: ۱) ... خدای را عزوجل - سیمرغ - محل استقرار نیروی نظامی و جنگ‌افزار ۲) مدرك رسمی برای اثبات هویت - روزگار ۳) قوم سفیدپوست بومی اروپای شرقی - آدم‌کشی - کوشا ۴) عظمت - ورزشگاه مشهور انگلستان - تیر پیکاندار ۵) در توضیح کلام به کار می‌رود - تیزرو - صلح ۶) مخترع تلفن - از رایج‌ترین قالب‌های ارائه آثار در خوشنویسی - طوقه چرخ خودرو ۷) مادر حضرت محمد(ص) - بخشش و انعام - درگذشتن ۸) بی‌نیاز - گرو گذاشتن - از اجزای دستگاه گوارش - انجیر ۹) آینده - زن گندمگون - گذرگاه ۱۰) سخن کوتاه و پرمعنا - پایان - دوستی ۱۱) اسب سیاه - مادر - لغو ۱۲) زمینه - زن ساکن صومعه - بی‌رونق ۱۳) بغل - ثبت کردن مطلب در جایی - نوعی بیسکویت ساده ۱۴) رفتن - دروازه‌بان ملی‌پوش تیم فوتبال سپاهان ۱۵) قطعی برای کتاب - مقاوم‌ترین ماهیچه بدن - خالی.

عمودی: ۱) مجموعه نامه‌های مولوی که به افراد مختلف نوشته است - سوره سی و هفتم قرآن - بخیل ۲) مردم - نشانه - پی‌درپی ۳) پرنده‌ای شکاری - مدفن امام سجاد(ع) - کشور ساحل طلای آفریقا ۴) پرتوافکندن - خجالتی ۵) ناز و کرشمه - بخش معرفی عناوین و موضوعات کتاب - تخم ماهی ۶) دوتا نون - بلندترین فلات جهان - قیل و قال - حرف دهن‌کجی ۷) هیچ‌کاره - اهل ارمنستان - به هیچ وجه ۸) کارگاه فیلمسازی - شهری در خوزستان ۹) تپه باستانی آتن - به‌درستی که - پهلو ۱۰) عدد هندسی - حمال - کم‌پشت - بله آلمانی ۱۱) برج دیدنی فرانسه - گوهر بی‌همتا - فرمان کشتی ۱۲) واضح و آشکار - قندنیشکر ۱۳) متکدی - تعجب و حیرت - پشیمانی ۱۴) شایستگی - عامل بیماری‌زای بسیار کوچك - حشره چسبنده ۱۵) همه را شامل می‌شود - غربال کردن - بی‌رغبتی.

جدول ویژه

افقی: ۱) کلمه شرط - سوره بیست و ششم قرآن - ناهمخوانی ۲) از هفت خوان رستم - هر بخش از تورات ۳) آسیب جسمی یا روحی - داخل جمجمه - رطوبت ۴) بصیرت - نمایشنامه گارسیا لورکا - مذکر ۵) ورقه چاپی تبلیغاتی - حماقت - مسخره ۶) محکم کردن - از اجزای گل - گذرگاه ۷) رسم و سنت - قلع - شیخ‌نشین امارات ۸) دورویی - توپ چوگان - صوت اندوه - محرمانه ۹) مقر سازمان ملل - قوم مغول - شیوه خاصی از تفکر ۱۰) سست و تنبل - فنا - گل سرخ ۱۱) گوشه‌ای در دستگاه همایون - استهزا - جانور تك‌سلولی ۱۲) ویتامین خونی - سرزنش - معروف‌ترین تلسکوپ فضایی ۱۳) داستان بلند - چرك زخم - انحراف به راست ۱۴) نسبت دو زن با یك شوهر - از آثار موسیقیایی موتسارت، آهنگساز نامدار اتریشی ۱۵) افسانه‌های دروغ و بی‌اساس - گیاهی علفی از خانواده لاله - ظریف.

عمودی: ۱) آشفتگی و پریشانی - همسر اسکندر مقدونی - همه چیز را جمع می‌بندد ۲) دروازه‌بان - ارادتمند و دوستدار - فانوس دریایی ۳) خدایی - ینگه دنیایی - شترمرغ منقرض‌شده ۴ - دائمی - رشوه دادن ۵) چوپان - سربند مردان سیستانی - مقابل مثبت ۶) نیم‌صدای درازگوش - جوان - پایتخت مالت - قومی ایرانی ۷) ریز ریز کردن - توبه - قطار زیرزمینی ۸) تصرف‌کننده سرزمین دیگران به زور و ناحق - مؤسسه ۹) پاکیزه - شهری در سوئیس - شبانگاه ۱۰) مگابایت - علم شعبده - خالص - گشودن معما ۱۱) غلاف شمشیر - عازم شدن - از کوه‌های هزار مسجد در قوچان سرچشمه می‌گیرد ۱۲) چیره - جلال و شکوه ۱۳) شهری در فارس - دستیار - نکوهش ۱۴) شکوه و جلال - نوعی نان سنتی - فرمانده ۱۵) نشانه صفت تفضیلی - خلاص - آنچه موضوع گفت‌وگوی بسیاری از مردم است.

حل جدول عادی شماره ۵۵۳۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ح	ی	ا	ت	ی	■	س	ا	خ	ل	و	■	ن	م	د
۲	ج	ا	■	ت	ک	ی	ه	■	ب	ز	ر	گ	م	ه	ر
۳	ا	ز	ب	و	د	ن	و	س	ر	و	د	ن	■	م	د
۴	ا	■	ل	■	ا	ی	ی	م	■	ا	ج	ر	ا	■	■
۵	■	ر	خ	ت	■	ل	ا	د	ن	■	ش	ا	ن	ه	■
۶	خ	ا	ت	و	ن	■	ت	ن	ک	ه	■	ک	ن	د	ن
۷	و	■	ر	س	ت	م	■	ی	ا	ر	ی	■	ش	ا	د
۸	ن	ق	■	ن	ا	ج	ا	■	ه	ن	و	ز	■	ر	ی
۹	ب	ی	ن	■	ج	ل	و	س	■	د	ن	ا	ن	■	ک
۱۰	■	م	ه	ا	ن	■	س	ی	ر	چ	■	س	ر	س	ا	م
۱۱	ا	ه	ت	د	ا	■	س	ی	ش	ل	■	ی	ا	ل	■
۱۲	■	و	ا	ز	ش	■	ا	م	ه	د	■	ج	ب	ه	■
۱۳	ت	ن	■	م	ه	ر	ا	ن	غ	ف	و	ر	ی	ا	ن
۱۴	ن	ا	ش	ت	ا	ی	ی	■	ر	ه	ا	ن	■	ل	ر
۱۵	ا	ر	ت	■	ر	ک	ا	ب	ه	■	م	و	ل	و	ی

حل جدول ویژه شماره ۵۵۳۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	س	ب	ق	■	پ	ژ	■	و	ا	■	ک	س	ر	خ
۲	ر	ق	■	ق	ا	ر	ی	■	ا	ل	ن	د	ل	و	ن
۳	خ	ا	ق	ا	ن	ی	ش	ر	و	ا	ن	ی	■	ی	ک
۴	ص	ی	د	■	غ	ی	ا	ش	■	م	د	ا	■	و	■
۵	■	ک	ا	ت	■	س	و	ا	د	■	ه	ن	ا	ن	ش
۶	ا	ل	س	ی	د	■	ر	د	ی	ف	■	ا	ی	ت	ی
۷	س	■	ت	م	ا	ت	■	ت	س	ل	ا	■	ا	ب	ن
۸	ت	ک	■	م	ی	و	پ	■	ک	ا	ر	ت	■	ت	ی
۹	ی	ا	د	■	ن	ق	ا	د	■	ن	ب	ا	ش	■	و
۱۰	ف	ل	و	س	■	ف	ر	ا	ش	■	و	ز	ی	د	ن
۱۱	ا	د	ا	ن	ا	■	گ	ل	ب	ن	■	ش	ر	■	■
۱۲	و	ل	گ	ر	د	■	ا	ی	ک	س	■	ا	ن	ت	■
۱۳	ا	ن	■	ا	ت	ش	د	ر	خ	ر	م	ن	ز	د	ن
۱۴	س	ی	ک	ل	ا	م	ن	■	و	ه	ا	ب	■	ش	ب
۱۵	ب	ا	ژ	■	ن	ن	گ	ی	ن	■	ک	ا	ر	ت	ل